

سوء استفاده از اطلاعات

حسین سرآمد

همانگونه که می‌دانیم اطلاعات و آگاهی نقش بزرگی در توانمندی‌های انسانی بازی می‌کند، تا آنجا که امروز اطلاعات به مثابه‌ی یکی از انواع مهم و اساسی قدرت می‌شناسند. در واقع در جهان امروز نقش اطلاعات از آن جهت به عنوان یک منبع مهم قدرت برجسته شده است که «افکار عمومی» و «اراده‌ی مردم» نقش بسیار تعیین کننده در ساختار و جهت دهی قدرت سیاسی پیدا کرده است. اطلاعات از یک سو نحوه‌ی درک و ارزیابی مردم را از مسایل و اتفاقات مختلف تعیین می‌کند و افکار عمومی را شکل می‌دهد و از این رو همچون ابزار قدرت عمل می‌کند. و از سویی دیگر ابزار بررسی و ارزیابی افکار عمومی و احیاناً مبنای پیش‌بینی‌های اساسی و مهم در ساختار عملکردهای اجتماعی و سیاسی مردم و وسیله‌ای برای کنترل و جهت دهی افکار عمومی در جهت خواست‌ها و منافع مشخص است. بحث اول بیانگر این نکته است که اطلاعات به مردم قدرت تصمیم‌گیری و عمل می‌دهد، و یا به تعبیری بهتر قدرت بالقوه‌ی آن‌ها را به قدرت بالفعل تبدیل می‌کند، چه، مردم بدون اطلاعات و آگاهی از قضایا نمی‌توانند تصمیم مقتضی را بگیرند و به نحو شایسته عمل کنند. رسانه‌های همگانی در این جهت نقش بسیار برجسته بازی می‌کنند. بحث دوم به مدیریت و کنترل اطلاعات و از آن طریق به مدیریت و کنترل افکار عمومی می‌پردازد.

هرچند اطلاعات نیازمند تفسیر است تا به یک آگاهی و دید سیاسی در جامعه تبدیل شود، اما مبنای این تفسیر از قضایا همان اطلاعات اولیه است. پس اطلاعات اولیه مقدم بر دیدگاه و آگاهی سیاسی است. از این رو در دنیای امروز بنا بر اهمیت اطلاعات و نقش تعیین کننده‌ی آن در تعیین افکار عامه و جهت دهی قدرت سیاسی و تکوین ساختار آن، نسبت به جریان اطلاعات با حساسیت‌های بسیار دنبال می‌شود. سیاستمداران تلاش می‌کنند از کارکرد اطلاعات در تعیین ساختار و جهت قدرت، به نفع خود استفاده ببرند. اما این کار زمانی ممکن است که مردم به دیدگاه‌های آنان گوش بسپارند و آن را باور کنند. در واقع باید یک همسویی در دید مردم و سیاستمدار باید ایجاد شود تا سیاستمدار از قدرت بالقوه‌ی مردم در جهت خواست‌های سیاسی خود استفاده کند.

اما این همسویی و همفکری در یکی از دو صورت ایجاد می‌شود:

یکم، اینکه فرض کنیم که مردم به همه‌ی اطلاعات و جریان‌ها دسترسی دارند و آگاهی شکل گرفته در میان آنان نیز کمابیش دقیق و عقلانی است و سیاستمدار نیز به معنای واقعی کلمه متعهد به منافع و خواسته‌های عمومی است و آگاهی اش نیز با آگاهی عمومی مردم منطبق است. در آن صورت سیاستمدار از پشتوانه‌ی افکار عمومی بهره مند است و در واقع سیاستمدار در جهتی عمل می‌کند که مردم می‌خواهند و انتظار دارند.

دوم، سیاستمدار به دنبال چیزی است که الزاماً به نفع عمومی مردم نیست و یا به تعبیر روشن‌تر سیاستمدار در تلاش دستیابی به منافع شخصی و یا گروهی خود است. در این صورت چگونه می‌توانند از قدرت افکار عمومی به نفع خود استفاده کنند؟ این

سوالی است که آن‌ها را به اقدامات بعدی رهنمون می‌سازد: آن‌ها می‌دانند که مردم زمانی به حمایت آنان برخوانند خواست که به مفیدیت عملکردهای شان در جهت رسیدن به منافع خود باور پیدا کنند. این باور، همانگونه که قبلاً اشاره شد، منبعث از اطلاعات مشخصی است. اینجا است که سیاستمدار به کنترل اطلاعات دست می‌زند و در واقع اطلاعات را به صورت گزینشی در اختیار مردم قرار می‌دهد. اطلاعاتی که در این صورت به مردم می‌رسد اطلاعات نادرستی نیست و اتفاقاً ممکن است با جزئیات بسیاری نیز در اختیار مردم قرار گرفته باشد. اما اشکال کار در اینجا است که این اطلاعات همه‌ی اطلاعاتی نیست که باید در اختیار مردم قرار بگیرد. در نتیجه آگاهی شکل گرفته در بین مردم بر مبنای این اطلاعات گزینشی، آگاهی جهت دار و کنترل شده خواهد بود. بدین سان آگاهی و دید سیاسی کنترل شده مردم را به رفتارها و تصمیمات سیاسی مشخص هدایت می‌کند، رفتارها و تصمیماتی که سیاستمدار آن را می‌خواهد.

در واقع سیاستمداران همیشه از این شیوه برای جلب حمایت مردم استفاده می‌کنند: مردم از زبان آنان نه همه‌ی اطلاعات، بلکه بخشی گزینش شده از اطلاعات را می‌شنوند. معمولاً این اطلاعات که به دسترس مردم قرار می‌گیرند به خاطر آن نیست که مردم از قضایا آگاه شوند و بدانند که در دور و بر شان چه می‌گذرد، بلکه به خاطر آن است که دید سیاسی خاص سیاستمدار را برای مردم توجیه کنند. یعنی سیاستمدار میان اطلاعات اولیه و دید سیاسی یک جایجایی را انجام می‌دهد. قبلاً اشاره کردیم که دیدگاه سیاسی بر مبنای اطلاعات اولیه شکل می‌گیرد و این اطلاعات مقدم بر دیدگاه سیاسی است. اما در اینجا سیاستمدار دیدگاه سیاسی خاصی را برای مردم عرضه می‌کند و سپس برای اثبات آن از میان همه‌ی اطلاعاتی که در این مورد وجود دارد فقط همانها را در اختیار مردم قرار می‌دهد که بتواند در اثبات آن دید سیاسی کمک کند.

این شیوه بیشتر در جوامعی کاربرد دارد که مردم از سطح آگاهی و اطلاعات پایینی برخوردارند و وسایل اطلاع رسانی آزاد نیز در آن کم است و یا سطح سواد عمومی در میان مردم پایین است. در این وضعیت سیاستمدار به راحتی می‌تواند به مردم ناآگاه و بی‌خبر اطلاعات گزینش شده را تحویل دهد و آگاهی سیاسی و دیدگاه آنان را در مسیر خاصی هدایت کند. این گونه گزینش‌گری در اطلاعات در واقع سوء استفاده از اطلاعات برای رسیدن به خواست‌های شخصی است.

برای اینکه از این سوء استفاده جلوگیری کرد اولاً باید وسایل اطلاع رسانی آزاد و متعدد در جامعه بیشتر شود، ثانیاً سطح سواد و آگاهی عمومی برای تفسیر دقیق‌تر و عمیق‌تر اطلاعات و داده‌ها بالاتر برود و ثالثاً مردم دید خود را با گرایشات پیشینی و دیدگاه‌های جزمی از قبل تعیین شده محصور و محدود نسازند و به اطلاعاتی که از دیدگاه مشخصی به آنان داده می‌شود اکتفا نکنند. در این صورت می‌توان گفت امیدواری برای درک واقعیت‌ها بیشتر خواهد شد. این کار البته مسئولیت شهروندان را بیشتر و سنگین‌تر می‌سازد، اما مردم ناگزیر از پذیرش این مسئولیت هستند. دنیای ما متعلق به کسانی است که آگاه‌تر و باهوش‌تر و حساس‌تر اند و جاهلان همیشه قربانی سرنوشتی خواهند شد که دیگران برای شان رقم می‌زنند.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.